

بسم الله الرحمن الرحيم

عملیات عظیم طوفان الاقصی؛ پاسخ به سه پرسش

اساسی (یادداشت روز)

عملیات عظیم و بی سابقه طوفان الاقصی به معنای واقعی و کامل کلمه، چندین اساس رژیم غاصب صهیونیستی را منهدم و از این پس آن را با چندین ابتلای ویرانگر مواجه خواهد کرد. در عین حال این موضوع سؤالاتی را هم پدید آورده است و به پاسخ نیاز دارد :

۱. با توجه به حجم عظیم خسارات و تلفاتی که این روزها رژیم غاصب و وحشی اسرائیل علیه منطقه کوچک و بسته غزه پدید آورده و فعلاً افقی برای پایان یافتن آن وجود ندارد، اقدام طرف فلسطینی به عملیات طوفان الاقصی چه مقدار با منطق و مصالح مردم بی دفاع فلسطین و به خصوص ساکنان غزه انطباق دارد آیا ضرر آن بیش از نفع آن نیست؟

پاسخ به این سؤال مستلزم طرح یک سؤال اساسی دیگر و پاسخ به آن است؛ آیا فلسطینی‌ها و نیز ساکنان غزه تا پیش از عملیات طوفان الاقصی در معرض چنین تهاجماتی بوده‌اند یا خیر؟ اگر پاسخ این سؤال منفی باشد، طرح سؤال اول منطقی است. در این جا مردمی

که در آرامش بوده‌اند اینک در معرض بمباران سنگین رژیم غاصب قرار گرفته‌اند. اما اگر مرور تحولات بیش از ۷۵ سال گذشته و به‌خصوص تحولات یک تا دو دهه اخیر می‌گویند بدون عملیات تهاجمی فلسطینی‌ها هم، مردم این سرزمین در معرض همین هجوم‌ها بوده‌اند و هزاران نفر شهید داده‌اند و هزاران خانه آنان ویران شده است، آن وقت پاسخ سؤال اول این است که چه با این نوع عملیات و چه بدون این عملیات‌ها، رژیم صهیونیستی دست به کشتار وسیع مردم و تخریب منازل زده و می‌زند. بنابراین خود عملیات طوفان‌الاقصی به‌صورت ابتدا به ساکن، منشأ کشتار فلسطینی‌ها و انهدام منازل آنان نیست. مثلاً در جریان جنگ ۱۱ روزه سال ۱۳۹۳ش / ۲۰۱۴م،

رژیم صهیونیستی به جرم دفاع فلسطینی‌ها از خودشان در برابر تجاوزات اسرائیل، به‌مدت دو هفته منطقه غزه را زیر بمباران گرفت، بیش از ۹۰۰۰ منزل ساکنان غزه به همراه ۱۳۰ مدرسه، ۲۴ ساختمان پزشکی و سه مجموعه نگهداری اطفال و معلولان وابسته به سازمان ملل را ویران کرد و بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم غزه را به شهادت رساند و چندین برابر آن را مجروح نمود و پس از آن هم محاصره این منطقه که از

سال ۲۰۰۹ / ۱۳۸۸ شروع کرده بود را تشدید نمود. این تحلیل نیست، خبر است .

در همین یک سال اخیر رژیم صهیونیستی در قدس شرقی، کرانه باختری و غزه بر اقدامات بی‌رحمانه علیه فلسطینی‌ها افزود. به‌عنوان مثال رژیم صهیونیستی در حدفاصل پنجم شهریور ماه تا پنجم مهرماه جاری یعنی در یک زمان یک ماهه، ضمن اقدام روزانه علیه مسلمانان در قدس و مسجدالاقصی، ۲۷ اقدام نسبتاً سنگین نظامی را علیه غزه و کرانه باختری اجرا کرد که نتیجه آن بیش از ۸۰ مجروح، چهار شهید و چهار اسیر بود. فلسطینی‌ها در ماه‌های اخیر دست به اقدام نظامی علیه صهیونیست‌ها نزده بودند. در این مدت کوتاه، رژیم دو بار به اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی در جنین و نابلس حمله کرد و تخریب زیادی پدید آورد. اینها آوارگانی بودند که در دو شهر فلسطینی محدوده ۱۹۶۷ در معرض حمله قرار گرفتند. این یعنی رژیم دست از سر فلسطینی آواره در سرزمین خود هم برنداشته است. بله رژیم بعد از عملیات عظیم طوفان‌الاقصی هم حمله وحشیانه به غزه را با شدت دنبال کرد اما حداقل این است که طرف فلسطینی با این عملیات ثابت کرده در برابر تهاجم، دست بسته نیست و رژیم نمی‌تواند سیاست ویرانی و کشتار را به عنوان عامل بازدارنده طرف

فلسطینی در احقاق «حقوق اولیه» خود در نظر بگیرد. هم‌اینک به دلیل عملیات شجاعانه و قاطع فلسطینی‌ها، هواداران این رژیم در داخل سرزمین‌های اشغالی و در خارج از آن اعتقاد پیدا کرده‌اند سیاست سرکوب ممکن است نتیجه عکس بدهد.

۲. سؤال دیگر این است که رژیم صهیونیستی با پیگیری سیاست خالی کردن غزه از سکنه و انهدام کامل جنبش حماس و سایر جنبش‌های جهادی فلسطین، برای همیشه موازنه داخلی را به نفع خود برقرار می‌کند، آیا بهتر نبود واکنش حماس مثل گذشته محدود به شلیک موشک‌ها و راکت‌ها می‌شد و از کشتن یهودیان و اسیر گرفتن آنان اجتناب می‌کرد؟ پاسخ این سؤال نیز وابسته به طرح سؤال دیگر و پاسخ به آن می‌باشد؛ سؤال این است که آیا اقدامات قبلی گروه‌های فلسطینی یعنی حملات محدود موشکی و راکتی، بازدارنده بوده است؟ بازدارندگی یک اقدام در توقف اقدامات طرف مقابل است. به گواهی آنچه گفتیم رژیم صهیونیستی در فاصله عملیات سیف‌القدس - رمضان سال قبل -

تا عملیات طوفان‌الاقصی نه تنها از اقدامات تجاوزکارانه علیه فلسطینی‌ها در سرزمین‌شان دست برنداشت بلکه بر این اقدامات افزود. در این‌جا طرف فلسطینی به‌طور طبیعی باید گامی به پیش برمی‌داشت تا - با فرض اینکه

لزوم به آرامش رسیدن فلسطینی‌ها را مهم‌ترین نیاز آنان بدانیم و فعلاً بر موضوع اساسی‌تر لزوم آزادسازی سرزمین اشغال شده آنان چشم ببندیم -بتواند از جان و مال خود دفاع کند .

طرف فلسطینی باید توانمندی دفاع از خود را به نمایش می‌گذاشت تا ادعای توانمندی آن معتبر شمرده می‌شد. فلسطینی‌ها در این عملیات به دشمن خود ثابت کردند، تحریم، محاصره و سرکوب مداوم غزه، سبب ضعف آنان نشده بلکه به روحیه و عزم مقابله آنان با تجاوز افزوده است. بنابراین عملیات طوفان الاقصی یک اقدام اساسی اولیه در موازنه نظامی و امنیتی میان دو طرف است و البته این گام لازم نه کافی آزادی نهایی و کامل فلسطین از اشغال است.

در عین حال رژیم صهیونیستی به هیچ وجه نمی‌تواند جنبش‌های مقاومت فلسطینی را از میان بردارد و یا از قدرت آنان بکاهد. غزه بیش از ۵/۲ میلیون نفر جمعیت هوادار مقاومت دارد. این جمعیت را نمی‌توان نابود کرد و یا از این سرزمین اخراج نمود. سیاست اخراج این جمعیت حتماً با شکست مواجه می‌شود و اولتیماتوم‌های کنونی اسرائیل تأثیری بر مردم ندارد . جنبش‌های جهادی یک ارتش نیستند که در پادگانی یا پادگان‌هایی مستقر باشند تا بتوان با حملات هوایی آنان

را از میان برداشت. بله رژیم جنایت‌پیشه می‌تواند چند هزار نفر دیگر از مردم غزه را به شهادت برساند و چند هزار خانه دیگر را ویران کند اما این مردم جنبش‌های مقاومت را سپر دفاعی خود در برابر دشمن دانسته و از آنان با اعزام فرزندان به صفوف نیروها و گردان‌ها حمایت می‌کنند. چنین جنبش‌هایی را نمی‌توان با بمباران تضعیف کرد.

رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۱۳۸۵ مدعی بود حزب‌الله لبنان ۲۰۰۰ نیروی رزمی دارد و معتقد بود می‌تواند آن را کاملاً نابود کند. همین رژیم شش سال بعد یعنی در سال ۱۳۹۲ که حزب‌الله به دفاع از سوریه برخاست، تعداد نیروهای رزمی حزب‌الله را ۱۲۰۰۰ نفر اعلام کرد. براساس حرف رژیم صهیونیستی - که این قلم هیچ‌کدام از این دو عدد را تأیید نمی‌کند - نیروهای رزمی حزب‌الله در فاصله دو جنگ، شش برابر شده بود. وضع حماس و جهاد و گردان‌های قسام و... هم همین است.

۳. سؤال سوم این است که چرا جریان‌ات مقاومت تاکنون در صحنه عملیات به حمایت از فلسطینیان وارد نشده‌اند؟ واقعیت این است که جنبش‌های مقاومت منطقه از ایران تا لبنان تا سوریه تا عراق تا یمن و تا... در هماهنگی کامل با جنبش اسلامی حماس هستند.

هم‌اینک میان آنان اتاق بررسی مشترک فعال است و هر کدام در حمایت از حماس نقشی برعهده دارند که به تناسب صحنه عمل تغییر می‌کند. الان حماس علی‌رغم آنکه در حین عملیات است، به هدف عملیاتی خود که وارد کردن ضربه اساسی به ارتش، سیستم امنیتی و سیستم سیاسی دشمن بود، رسیده است. به تعبیر دقیق رهبر معظم انقلاب اسلامی این ضربه «ترمیم‌ناپذیر» است. سیاست حماس البته توقف عملیات نیست و به همین دلیل در طول هشت روز گذشته ضربات پیاپی به تأسیسات رژیم اعم از پادگان‌ها، فرودگاه‌ها و پایتخت وارد کرده است. دست‌های گروه‌های مقاومت منطقه‌ای روی ماشه است و در صورت، اجرای سیاست زمین سوخته از سوی اسرائیل و عدم توقف ماشین تخریب دشمن در غزه وارد عمل خواهند شد. کما اینکه حزب‌الله لبنان آمادگی کامل خود برای ورود در جنگ با رژیم اسرائیل را نشان داده است. رژه نظامی جنبش مقاومت یمن در روزهای اخیر هم از این آمادگی خبر می‌دهد. کما اینکه نیروهای مقاومت در عراق و از جمله سپاه بدر هم رسماً در مورد ورود نظامی اعلام آمادگی کرده‌اند. ورود این نیروهای جهادی منطقه‌ای که می‌تواند عن‌قرب باشد تابع جمع‌بندی اتاق عملیات مشترک است.

در این میان رژیم رو به زوال اسرائیل وانمود می کند برای ورود جبهه مقاومت در جنگ آمادگی دارد. همه می دانند در حالی که ۵۰ درصد نیروهای کادر ارتش اسرائیل درگیر کرانه باختری، می باشد چگونه قادر است با ۵۰ درصد بقیه هم مراقب غزه و هم مراقب مرزهای شمالی و شمال شرقی فلسطین باشد. اگر مقاومت تصمیم بگیرد از سمت جنوب لبنان و از سمت جولان وارد عملیات شود، ارتش اسرائیل در زمان نه چندان طولانی از هم می پاشد.

منبع: سعدالله زارعی (کیهان)